

روایتی از زندگی بومیان کیش (بخش ۱)

۶ دانگ جزیره انگار به نام سازمان است

برای آگاهی از تاریخچه زندگی بومیان کیش و

بی‌مهری‌هایی که بر خود هموار کرده‌اند، در همه جزیره فقط باید دنبال یک نفر بود: ابراهیم ابراهیمی. مرد عربی که در باغی یک هکتاری ساعت‌ها می‌نشیند و حصیربافی می‌کند یا بی‌دغدغه هیچ امر زمینی‌ای در میان نخل‌های سر به آسمان ساییده و کنارها و لورهای خود به ذکر خدا و کشاورزی مشغول است.

باغ ابراهیمی در کنار مزار اهل تسنن در جاده خاکی منشعب از انتهای محله خانشیر قرار دارد. بیرون آن یک درخت کهنه هست که دو تاب به آن بسته‌اند و کنارش هم یک تخت برای استراحت مردم گذاشته‌اند. در این باغ، هم بالاترین مقام مذهبی اهل تسنن تردد دارد، هم پاکبانان بی‌بضاعت، هم گردشگران عبوری و هم دوستداران محیط زیست که گاهی ملیت ایرانی هم ندارند. در اینجا بسیاری وقت‌ها که دمای هوا اجازه می‌دهد صحبت‌های بومیان از مشقات زندگی، وضع کنشورهای خلیج فارس، صیدهای جدید، شکل و شمایل کشتی‌های کروز خارجی خلیج فارس، توافقات سیاسی یا ضرب‌المثل‌ها و حکایت‌های قدیمی عربی جریان دارد.

صاحب این باغ ابراهیم است. او به تاریخ‌دانی بین عرب‌ها مشهور است؛ چون دفترای دارد که از وقایع صد سال گذشته تا کرونا و زلزله‌های سال قبل جزیره هم با دقت در آن ثبت شده‌اند. او قباله‌های خریدوفروش درختان لور یا انجیر معابد، سندها و کاغذهای قدیمی بسیاری دارد و از ۲۵سالگی تاکنون وظیفه ناوشسته حفظ تاریخ عرب‌های جزیره را بر دوش می‌کشد.

او می‌گوید: سال‌هاست سازمان منطقه آزاد می‌گوید شش‌دانگ جزیره برای من است؛ چون قبیلش برای پهلوی بوده؛ درحالی‌که نمی‌داند ما عرب‌ها ۳۰۰ سال قبل از تولد پهلوی اول در کیش زندگی می‌کردیم. ما ۱۲۰ سال پیش برای کارهای غواصی از بندر لنگه تا تنگان، سیسیب و غوص می‌آوردیم به کیش. اینها اسم کسانی است که برای غواصی به دریا می‌روند. ما سندهایی داریم که نشان می‌دهد از خانه‌های‌مان در روستای باغو تا برسد به دریا تا وقتی عمقش بشود هفت یغل، یعنی ۱۲ متر، عواید صیادی به ما می‌رسد. ابراهیم ادامه می‌دهد: من نسل پنجم عرب‌هایی هستم که یادم می‌آید. پدر من اگر زنده بود ۱۰۴ سال داشت و من تاریخ عرب‌ها را از سال ۱۲۶۰ شمسی می‌دانم. اهالی جزیره آن موقع فقط عرب‌ها بودند که به غواصی مشغول بودند و بعدش هم به کشاورزی.

الان نوه من نسل هفتم است و ۱۴ سالش می‌شود؛ ولی ما دیگر برای کارهای‌مان سراغ سازمان نمی‌رویم. من خودم جوان که بودم، توان داشتم؛ ولی الان می‌دانم که اگر بروم تحویل‌مان نمی‌گیرند. مدیران هم عوض می‌شوند؛ ولی هیچ فرقی نمی‌کند. مثلا سال‌هاست که این باغ برق ندارد و در گرما می‌سوزیم؛ اما برق تا کنار باغ آمد، ولی به من

آزاده تاج‌علی: شمال غربی کیش جایی به نام محله عرب‌ها، نقطه‌ای است که نیض تاریخ این جزیره همچنان از پس قرن‌ها در آن می‌تپد؛ اما عموم کیشوندان، در تلفظ نام این محله، حالت صورت خود را با شکل اسفناکی همراه و با اکراه کامل از آن یاد می‌کنند. به آن می‌گویند: بافت. تاکسی‌ها به‌سختی به محله عرب‌ها می‌روند؛ چون به نظرشان فقیرنشین و خیلی دور است. درحالی‌که در کیش دورترین فاصله برای تردد با خودرو، ۱۷ دقیقه است و بسیاری از ساکنان این منطقه هم عرب‌های متمول هستند؛ اما در ظاهر، زندگی ساده‌ای دارند. کارشناسان املاک از این منطقه طوری صحبت می‌کنند که گویا می‌خواهند از دورترین مکان‌های فقر و فاقه‌ای تاریخ بشریت حرف بزنند و باید عار کسسی باشد که برود آنجا دنبال خانه بگردد؛ یعنی به هیچ دانش‌جویی، به هیچ مهاجری و به هیچ خانواده‌ای توصیه نمی‌کنند برود آنجا دنبال خانه‌ای برای سکونت بگردد. راهنمایان گردشگری در طول سال‌های نلوما از به زور یک موزه چندساله مگر مسافر ببرند محله عرب‌ها و در نهایت، در نگاه کیشوندان مرکز شهرنشین به این محله، نوعی از نژادپرستی موج می‌زند و این غیرطبیعی نیست که برای گردشگران جزیره کیش هم فقط تفریح‌هایی با عنوان لاکچری ارزش محسوب شود و کسسی بین آنان سراغی از صاحبان اصلی جزیره نکیرد.

در محله عرب‌ها با سَـفین، اکنون چند قوم مختلف با چهره‌هایی عموما سیه‌چرده‌تر از مردم دیگر نقاط ایران زندگی می‌کنند. عرب‌ها قدیمی‌ترین ساکنان جزیره کیش، بخش برخوردارتر و غالب این منطقه را تشکیل می‌دهند و در کنار آنان بندری‌ها، زابلی‌ها و بلوچ‌ها و افغان‌ها در محله‌هایی محقر زندگی می‌گذرانند. بندری‌ها البته لزوما از بندرعباس یا میناب نیامده‌اند و از جای جای استان هرمزگان به کیش کوچیده‌اند. زابلی‌ها، بلوچ‌ها و افغان‌ها هم با لباس‌های سنتی و اصیل خود بیشتر در مشاغل خدماتی فعال هستند.

در کل می‌توان گفت که فضای غنی‌ترین و قدیمی‌ترین محله تمدنی کیش به گونه‌ای است که اگر یک تهرانی را مستقیم از فرودگاه کیش به آنجا ببرند، به بقین خواهد گفت اینجا کیش نیست؛ چون در کیش سالانه میلیون‌ها گردشگر رفت‌وآمد دارند که اگر بخشی از درآمد آن خرج خودش بشود، نباید اینجا به این شکل رها شود.

در کوچه‌پس‌کوچه‌ها رخت اهالی خانه از بند آویزان است. بقالی‌های کوچک هنوز حساب دفتری دارند تا رفتگان آخر ماه حساب کنند و جای جای محله ماهی‌فروشی‌های بی‌تکلف، خوراک ارزان ساکنان و کارگران آبرومند را عرضه می‌دارند. کارگرانی که دست بچه‌های‌شان را می‌گیرند تا برای‌شان ویفر و یفک بخرند؛ اما از پس همان‌ها هم برمی‌آیند؛ ولی فروشنده‌گان عرب، هنوز معرفت حساب دفتری را از یاد نبرده‌اند.

جوابیه شهرداری به یک گزارش

دفاع از عملکرد کمیسیون ماده ۵

پس از انتشار گزارش «حراج پایتخت؟»

در روزنامه «شرق»، شهرداری تهران در نشست‌تی خبری به اتهامات مطرح‌شده در این گزارش پاسخ داد؛ هرچند که پاسخ‌های شهردار بیش از آنکه نگرانی‌ها را برطرف‌کند، بر اتهامات افزود. او در نشست خبری‌اش تاکید کرد که از نظر قانونی می‌تواند مصوبات کمیسیون ماده ۵ را به شورای‌عالی شهرسازی ارسال نکند و موارد مطرح‌شده در گزارش را هم به صورت مستقیم رد نکرد. در این گزارش آمده بود که «اسنادی به دست «شرق» رسیده که نشان‌دهنده آغاز جریانی غیرقانونی و همدارنده در تهران است. این اسناد شامل نامه‌هایی از سوی وزارت راه و شهرسازی به شهرداری است که در یک جریان یک‌ساله مدام به شهرداری تذکر داده که قانون را زیر پا می‌گذاردید و بدون توجه به ظرفیت‌ها و در راستای سوداگری مسکن مشغول تراکم‌فروشی و مجوزدادن هستند. یکی از این اسناد، گزارشی از سوی این وزارتخانه با عنوان (مروری بر مصوبات کمیسیون ماده ۵ شهر

تهران در سال ۱۴۰۱) است که با عدد و رقم این جریان را تشریح کرده و نشان‌دهنده تضاد اساسی میان ادعاهای اخیر شهردار درباره مسکن‌سازی برای طبقه کم‌درآمد و چیزی است که در عمل در جریان است.»

تهران در جوابیه از تصمیمات کمیسیون ماده ۵ دفاع کرده و با تکرار بخشی از توضیحات شهردار درباره بخش‌هایی از این گزارش توضیحاتی داده و اعلام کرده است که سه منطقه ۱۶، ۱۹ و ۲۰ از نظر مساحت بیشترین سهم را داشته است. در این جوابیه آمده است: «براساس طرح تفصیلی، پایتخت دارای چهار پهنه مسکونی (R)، تجاری (S)، مختلط شامل تجاری و مسکونی (M) و فضای سبز(G) است؛ پهنه‌هایی که ساخت‌وساز در آنها براساس نوع کاربری و طبق قوانین خاصی انجام می‌شود.

به این معنا که در پهنه مسکونی نمی‌توان مجوز تجاری صادر کرد یا در پهنه فضای سبز نمی‌توان پروانه مسکونی اعطا کرد. درواقع این پهنه‌بندی‌ها برای

جلوگیری از به‌هم‌ریختگی‌ها مشخص شده‌اند. دراین‌میان مواردی هستند که گرچه در چارچوب قوانین طرح تفصیلی نمی‌گنجد؛ اما با توجه به تغییرات رخ‌داده در حوزه شهر و شهرنشینی نیازمند اجرائی‌شدن و تغییر کاربری پهنه‌هاست

که این کار توسط کمیسیون ماده پنج انجام می‌شود؛ مانند ساخت‌وساز در بافت‌های فرسوده هم‌جوار با بافت‌های تاریخی یا نوسازی بافت‌هایی که در پهنه‌های کارگاهی و… قرار دارند. به همین دلیل

است که در کمیسیون ماده ۵ برای چنین مواردی طرح‌های موضعی و موضوعی پیش‌بینی شده است که با این طرح‌ها، سب رونق ساخت‌وساز در پایتخت شده‌اند. مطالعات طرح جامع و طرح تفصیلی حدود ۱۰ سال به طول می‌انجامد و در این مدت قطعا نیاز شهر و مطالبات شهروندان دچار تغییر و دگرگونی می‌شوند و این طرح‌ها نمی‌توانند کارایی چندانی داشته باشند.

در چنین شرایطی، طرح‌های موضعی و موضعی به کمک شهر و شهروندان آمده

و استفاده از ظرفیت این طرح‌ها سبب رونق ساخت‌وساز در بافت‌های فرسوده شده است. با استناد به آمارهای موجود، سال ۱۴۰۰ حدود هزارو ۴۰۰ پروانه در بافت فرسوده صادر شده و سال‌ها در این حوزه رکود وجود داشته و سال گذشته تعداد پروانه‌ها در بافت‌های فرسوده به دوهزارو ۵۰۰ مجوز رسید. این اعداد و ارقام نشان از اثربخشی طرح‌های موضوعی و موضعی و کمیسیون ماده ۵ دارد.

تعیین تکلیف تعریض خیابان شوش پس از ۴۰ سال، خیابان کرمان و فرزین که به دلیل وجود پهنه‌های کارگاهی فریز شده بودند و…هم فعالیت‌های مدیریت شهری در کمیسیون ماده ۵ هستند.

از سوی دیگر، استفاده از جایگاه قانونی کمیسیون ماده ۵ در تصویب تغییرات طرح تفصیلی، سبب یویایی شهر و جلوگیری از عدم انعطاف‌پذیری طرح‌های مصوب می‌شود.

براساس ماده ۱۷ قانون درآمد پایدار و هزینه شهرداری‌ها، ابلاغی سال ۱۴۰۰، مبنی بر تعیین حیطه اختیارات کمیسیون ماده ۵ و جلوگیری از شهرفروشی خارج از ضابطه و بدون توجه، رویه کنونی که شهرداری در پیش گرفته، شفاف است و درحالت‌حاضر هیچ پرونده‌ای بدون تهیه طرح مطالعات ارزیابی اثرات شهرسازی، ترافیکی و زیست‌محیطی، قابلیت طرح در کمیسیون ماده ۵ را ندارد.

باید تاکید داشت که مصوبات کمیسیون ماده ۵ مختص مناطق مرفهی چون یک و ۳ نیست. در دوره اخیر مدیریت شهری و به صورت مشخص سال گذشته مناطق ۱۶ و ۲۰ بیشترین سهم را در مصوبات کمیسیون داشته‌اند و عمده سهم منطقه ۳ هم طرح موضعی بافت‌های فرسوده دونگ بوده است. درباره منطقه یک هم چند مساحت مربوط به طرح‌های موضعی چیدر و سیمین‌قلعه مطرح است



کشیده‌اند و اسمش را گذاشته‌اند دانش‌آموز. کیش خیلی داستان‌ها دارد. جالب اینجاست که در زمان قاجار چون خان بستک با دولت خیلی همکاری داشته، در ماجرای استعمار انگلیسی‌ها، قوام‌الملک شیرازی، جزیره کیش را به او هدیه می‌دهد. این شیخ‌نشین‌های عربی البته تا سال ۵۶ ادامه داشت و شیخ عبدالله سال‌های آخر عمرش با محمدرضا به اختلاف خورد؛ چون پهلوی می‌خواست منطقه را خراب کند. مثلا یکی از منطقه‌های عرب‌نشین را برای ساخت کازینو و هتل خراب کرد و به جایش خانه و زمین و مغازه در جای دیگری به بومی‌ها داد.

ابراهیم در همین اتنا با صدای اذانی از جا بلند می‌شود که از مناره مسجد تاریخی سفین تا باغ او می‌رسد. از آب چاه تاریخی‌اش وضو می‌گیرد و کارگری بندری را ترک موتورش می‌نشانند تا هم راهی نیاپش ظهرگاهی شوند. او سال‌هاست از رسیدگی به بزرگ‌ترین مشککش یعنی برق دارشدن تنها باغ اصیل کیش هم ناامید شده و دیگر حرفی با مدیران سازمان منطقه آزاد ندارد.

۷ پیشنهاد برای سازگاری برنامه هفتم با تغییر اقلیم

ایمان بابائیان، عضو هیئت علمی پژوهشکده اقلیم‌شناسی مشهد: ۱- با توجه به پیامدهای شدید تغییر اقلیم از قبیل خشک‌سالی، امواج گرمایی، گرد و خاک و سیل در ایران و غرب آسیا در مقایسه با سایر مناطق کره زمین، دولت مکلف است ستاد ملی سازگاری با تغییر اقلیم را با مسئولیت رئیس‌جمهور و با عضویت سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان هواشناسی و سایر دستگاه‌های اجرائی، پژوهشی و انجمن‌های مردم‌نهاد ایجاد کند. تمامی دستگاه‌ها موظف به تهیه برنامه اقدام سازگاری با تغییر اقلیم مطابق با استاندارد ملی مربوطه و اجرای آن پس از تصویب در ستاد هستند.

۲- وزارت نفت مکلف است در راستای انعطاف‌پذیری اقتصادی کشور در برابر تغییر اقلیم و روند جهانی رو به رشد تقاضا و سرمایه‌گذاری در منابع انرژی کم‌کربن، با راه‌اندازی واحدهای تولید هیدروژن سبز در پالایشگاه‌های کشور، سهم صادراتی به میزان حداقل ۲۰ درصد را ایجاد کرده و با همکاری وزارت نیرو، جایگاه‌های سوخت را به سامانه‌های سوخت سبز و شارژ خودروهای برقی تجهیز کند.

۳- وزارت نیرو مکلف است حداکثر تا پایان برنامه هفتم، سازوکار اجرائی برای ایجاد سهم حداقل ۲۰درصدی برق کشور از محل انرژی‌های خورشیدی و بادی، تبدیل کشور به قطب بین‌المللی تولید و صادرات انرژی‌های تجدیدپذیر و ایجاد سازمان کشورهای صادرکننده انرژی برق تجدیدپذیر را به عمل آورد. این وزارت باید در پایان هر سال میزان تولید برق تجدیدپذیر و برنامه سالانه ایجاد ظرفیت‌های مربوطه را به ستاد ملی سازگاری با تغییر اقلیم اعلام کند و به تصویب آن برساند.

۴- به‌منظور کسب جایگاه اول منطقه در فناوری و صادرات خودروهای برقی، وزارت صمت موظف است بسترهای لازم برای ایجاد سهم حداقل ۳۰ درصد تولید خودروهای برقی، فناوری‌های مربوطه از قبیل باتری‌ها و استخراج مواد اولیه معدنی و توقف تولید خودروهای با موتور احتراق داخلی (مطابق زمان‌بندی مشخص) را ایجاد کند.

۵- به‌منظور رشد و انعطاف‌پذیری اقتصادی کشور و کاهش مهاجرت‌های اقلیمی از طریق توسعه مبادلات تجاری بین کشورهای آسیای میانه و اوراسیا با کشورهای حاشیه اقیانوس هند و استفاده از ظرفیت‌های عظیم انرژی خورشیدی، بادی و معدنی به‌ویژه در شرق کشور، وزارت راه و شهرسازی با همکاری وزارت نیرو مکلف است کردیرو‌های حمل‌ونقل ریلی و زمینی (بزرگراهی) چهارم (به‌عنوان تنها بندر اقیانوسی کشور)- سرخس و بندرعباس-استارا را طی برنامه هفتم ایجاد کرده و ارتقا دهد.

۶- وزارت کشاورزی مکلف است با استفاده از پیش‌بینی‌های ۳۰ سال آینده اقلیم کشور توسط معاونت تغییر اقلیم سازمان هواشناسی کشور، الگوی کشت متناسب با اقلیم آینده را شناسایی و سند راهبردی اصلاح الگوی کشت را با لحاظ مشوق‌های لازم برای کشاورزان، به‌عنوان تضمین اجرای آن، عملیاتی کرده و در پایان هر سال، گزارشی از میزان موفقیت برنامه الگوی کشت سازگار با تغییر اقلیم را به ستاد ملی سازگاری با تغییر اقلیم اعلام کند و به تصویب آن ستاد برساند.

۷- به‌منظور کاهش آسیب‌پذیری ملی و بین‌المللی نسبت به پیامدهای انسان‌ساخت تغییر اقلیم، سازمان محیط زیست با همکاری وزارتخانه‌های نفت، نیرو، راه و شهرسازی، کشاورزی و صمت، مکلف است ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ این قانون، برنامه ملی کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را تدوین و هماهنگ با کشورهای منطقه، سال خالص انتشار صفر را مشخص کند. به‌منظور افزایش منابع جذب کربن، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری موظف است هرساله حداقل پنج درصد از اراضی جنگلی تصرف‌شده را شناسایی و با همکاری قوه قضائیه تصرف و احیا کند.